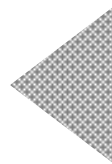


# رقابت پذیری منطقه‌ای بمثابه رویکردی نوین در توسعه منطقه‌ای



دکتر هاشم داداش پور<sup>۱</sup>

فرانک احمدی<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت ۸۸/۱۲/۲۸ - تاریخ تصویب ۸۹/۳/۳۰)

## چکیده

با رشد جهانی شدن و تغییرات سریع در فضای جهانی، موضوع رقابت‌پذیری منطقه‌ای از اهمیت فزاینده‌ای برای شتاب بخشیدن به توسعه منطقه‌ای برخوردار شده است. یکی از پیامدهای جهانی شدن، ظهور اقتصادهای منطقه‌ای قدرتمندی است که تولید ناخالص منطقه‌ای برخی از آن‌ها خیلی زیادتر از تولید ناخالص ملی بیشتر کشورهاست. به همین دلیل است که برخی از نویسندگان به طور جدی معتقدند که این مناطق اند که محرک اصلی اقتصاد ملی هستند و نه کشورها. در واکنش به این انگاره است که از دهه ۱۹۹۰ میلادی، مفهوم رقابت‌پذیری منطقه‌ای در محافل عمومی سیاسی کشورهای توسعه‌یافته و برخی کشورهای در حال توسعه به یک موضوع غالب تبدیل شده است تا کشورها از طریق آن بتوانند به مجموعه‌ای روشن از سیاست‌ها برای تحریک توسعه منطقه‌ای در کشورهای خودشان دست یازند. با درک این موقعیت است که مقاله حاضر در جستجوی پاسخ به برخی سؤالات اساسی است تا از طریق آن‌ها، تبیین تحولات مفهومی و نظری و نیز قلمرو و ابعاد مختلف رقابت‌پذیری منطقه‌ای میسر شود. بر این اساس در پژوهش حاضر، با بیان سابقه پیدایش مفهوم رقابت‌پذیری منطقه‌ای، رویکردهای نظری و مدل‌های تبیین‌کننده و مؤلفه‌های اصلی سازنده این مفهوم ارائه شده و با یک نتیجه‌گیری مقاله

۱- استادیار برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، h-dadashpoor@modares.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، faranak.ahmadi@modares.ac.ir

به نهایت می‌رسد.

**واژگان کلیدی:** رقابت‌پذیری منطقه‌ای، مزیت رقابتی، شاخص‌های رقابت‌پذیری، توسعه منطقه‌ای.

### ۱- مقدمه

در عصر جهانی‌شدن، رقابت‌پذیری منطقه‌ای بمتابه یکی از رویکردهای نوین توسعه منطقه‌ای مورد تأکید زیادی قرار گرفته است (لنگل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴:۳۲۳؛ کاماگنی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲:۲۳۹۵؛ هاواری و دیگران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰:۱). در حقیقت، یکی از پیامدهای جهانی‌شدن، ظهور اقتصادهای منطقه‌ای قدرتمندی است که تولید ناخالص منطقه‌ای برخی از آن‌ها خیلی زیادتر از تولید ناخالص ملی بیشتر کشورهاست (رابرت و استیمسون<sup>۴</sup>، ۱۹۹۸:۴۶۹). به همین دلیل است که برخی از نویسندگان به طور جدی معتقدند که این مناطق اند که محرک اصلی اقتصاد ملی هستند و نه کشورها (کاستلز و هال<sup>۵</sup>، ۱۹۹۴). بنابراین در شرایط جهانی فعلی، نه تنها شرکت‌ها و کشورها، بلکه مناطق هم با یکدیگر رقابت می‌کنند تا با دستیابی به مزیت رقابتی در اقتصاد جهانی و دسترسی به بازارهای جدید، به یک مزیت‌های رقابتی منطقه‌ای برسند (دنیز<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴). در واکنش به این انگاره است که از دهه ۱۹۹۰ میلادی، ایده رقابت‌پذیری منطقه‌ای مبنی بر نقش موقعیت جغرافیایی فعالیت‌های اقتصادی بر رقابت‌پذیری و صرفه‌های اقتصادی ناشی از جهانی‌شدن، در محافل عمومی سیاسی کشورهای توسعه یافته و برخی کشورهای در حال توسعه به یک موضوع غالب تبدیل شده است (بریستو، ۲۰۰۵:۲۸۵).

نکته کلیدی در بحث رقابت‌پذیری منطقه‌ای این است که دستیابی به مجموعه‌ای روشن از

۱ - Lengyel, I.

۲ - Camagni, R.

۳ - Huovari, J. et al

۴ - Robert, B. and Stimson, R. J

۵ - Castells, M. and Hall, P.

۶ - Dinis

دستورالعمل‌ها و اعمال سیاست‌های فراتر از مؤسسات منطقه‌ای، سیاست‌گذاران را قادر می‌سازد تا راه‌های مناسب دستیابی به موفقیت را از مناطق موفق سرمشق گرفته و در مناطق خودشان بکار بگیرند (بریتو، ۲۰۰۵: ۳۰۰-۲۹۷).

با درک این موقعیت است که مقاله حاضر در جستجوی پاسخ به برخی سؤالات اساسی است تا از طریق آن‌ها، تبیین مفهوم، قلمرو و ابعاد مختلف رقابت‌پذیری منطقه‌ای میسر شود. اول اینکه مفهوم واضح رقابت‌پذیری منطقه‌ای چیست و این مفهوم از چه رویکردهای نظری نشأت گرفته است؟ دوم اینکه فنون و ابزارهای تبیین‌کننده و ارتقاءدهنده مزیت‌های رقابتی مناطق مختلف کدام‌ها هستند؟ و در نهایت چه مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی برای سنجش رقابت‌پذیری منطقه‌ای وجود دارد؟ بر این اساس، در پژوهش حاضر، ابتدا با بیان سابقه پیدایش مفهوم رقابت‌پذیری منطقه‌ای، به ارائه چند تعریف از رقابت‌پذیری منطقه‌ای پرداخته و سپس نظریه‌ها و رویکردهای نظری که در تبیین این مفهوم دخیل‌اند، بیان می‌شوند. آنگاه مدل‌های مرتبط با رقابت‌پذیری منطقه‌ای، به مثابه ابزاری برای ارتقاء رقابت‌پذیری معرفی می‌شوند و در بخش بعدی، مؤلفه‌ها و شاخص‌های اصلی رقابت‌پذیری منطقه‌ای با تکیه بر تعدادی از مطالعات تجربی صورت گرفته در سطح بین‌المللی تشریح می‌شوند و بالاخره با یک جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مقاله به نهایت می‌رسد.

## ۲- تعاریف و مفاهیم رقابت‌پذیری منطقه‌ای

رقابت‌پذیری معیاری کلیدی برای ارزیابی درجه موفقیت کشورها در میدان رقابت‌های سیاسی، اقتصادی و تجاری به حساب می‌آید. بدین معنی که هر کشور، منطقه یا بنگاهی که از توان رقابتی بالایی در بازارهای رقابتی برخوردار باشد، می‌توان گفت که از رقابت‌پذیری بالاتری برخوردار است (آقازاده و دیگران، ۱۳۸۶: ۳۷). مفهوم رایج رقابت‌پذیری از سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و شرکتی مورد توجه قرار گرفته است. از همین نگاه، رقابت‌پذیری تعاریف متعددی دارد که هر کدام بر بخش خاصی از این مفهوم تأکید داشته‌اند. به اعتقاد مون و همکاران، رقابت‌پذیری یک کشور می‌تواند موقعیت رقابتی آن کشور در بازار بین‌الملل بین سایر کشورهای مشابه از نظر توسعه اقتصادی باشد. منزلر و هوکانن بر این اعتقادند که سطح رقابت‌پذیری بین‌المللی به عوامل زیادی در سطح خرد و کلان وابسته است. تنها ملاحظه ترکیبی و جمعی متغیرهاست که می‌تواند بیانگر پویایی‌های رقابت‌پذیری بین‌المللی باشد. برخی‌ها به

عوامل دیگری مانند منابع انسانی، فیزیکی و دولتی اشاره کرده و در قالب الگوهای توسعه اقتصادی آن‌ها را مطرح کرده‌اند. کتاب سال رقابت‌پذیری جهان، روابط بین محیط ملی یک کشور- جایی که دولت نقش کلیدی ایفا می‌کند- و فرآیند ایجاد ارزش توسط بنگاه‌ها و افراد را مورد توجه قرار می‌دهد (ذکر شده در: آفازاده و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۰).

بر اساس تعریف سازمان تعاون و توسعه اقتصادی<sup>۱</sup> رقابت‌پذیری درجه‌ای برای یک کشور است که بتواند محصولات و خدماتی را ارائه کند که تست بازارهای بین‌المللی را گذرانده باشد و همزمان با آن درآمد واقعی شهروندان را افزایش داده یا در سطح قابل قبولی نگه دارد (به نقل از د ۲، ۱۹۹۵: ۸). در مطالعه‌ای که توسط کمیسیون دی جی<sup>۳</sup> انجام شد به یک هرم رقابت‌پذیری دست یافتند که در رأس آن استانداردهای زندگی قرار دارد که خود وابسته به نرخ اشتغال و بهره‌وری است و به ترتیب عوامل دیگر در رده‌های پایین‌تر قرار می‌گیرد. اشتغال از عوامل مختلفی همچون ساخت جمعیت، نرخ مشارکت و مهارت‌ها تأثیر می‌پذیرد که بر تأمین و کیفیت نیروی کار تأثیر می‌گذارد. بهره‌وری نیز از کارایی بازار و سرمایه تأثیر می‌پذیرد. عوامل دیگری نظیر تمایل به نوآوری و خلاقیت، تحقیق و توسعه، مالیات و سرمایه‌گذاری رده‌های دیگری از این هرم را شامل می‌شوند. پل کروگمن معتقد است که مناطق و کشورها نیستند که با همدیگر رقابت می‌کنند، بلکه این بنگاه‌های داخل کشورهاست که با همدیگر در رقابت‌اند. به اعتقاد وی امکان رقابت برای مکان‌ها وجود ندارد، چرا که آن‌ها نمی‌توانند به خودی خود از چرخه اقتصاد خارج شوند (کروگمن<sup>۴</sup>، ۱۹۹۴). پل کروگمن (۱۹۹۸) معتقد است که: «شانس‌های اقتصادی یک کشور به طور گسترده‌ای از طریق موفقیت آن کشور در بازارهای جهانی تعیین می‌شود (کاماگنی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۲: ۲۳۹۸). او در ادامه سه نکته زیر را در تفاوت رقابت‌پذیری در دو سطح خرد و کلان بیان می‌کند و از این طریق وارد بحث رقابت‌پذیری مناطق و کشورها می‌شود:

- اولاً کشورها به همان شکلی که بنگاه‌ها رقابت می‌کنند، با هم رقابت نمی‌کنند؛ آن‌ها

۱ - Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

۲ - DII

۳ - DGIII

۴ - Krugman, P.

۵ - Camagni

از دور تجارت خارج نمی شوند (کاماگنی، ۲۰۰۲: ۲۳۹۸). یعنی آنگونه که در رقابت بین بنگاه‌ها ضعف یک بنگاه سبب حذف آن از دور رقابت و تجارت و از بین رفتن آن می‌شود، در رقابت بین کشورها، ضعف کشورها سبب خروج از تجارت بین‌المللی نخواهد شد.

- ثانیاً اگرچه موفقیت یک بنگاه به معنای شکست بنگاه دیگر است اما در سطح کلان، موفقیت یک کشور ممکن است به معنای خلق فرصتی برای کشور دیگر باشد، یعنی تجارت بین‌المللی یک بازی با حاصل جمع صفر نیست.

- ثالثاً در مفهوم‌سازی رقابت‌پذیری، افزایش بهره‌وری باید منجر به افزایش سطح استاندارد زندگی گردد (دیگر<sup>۱</sup> و دیگران، ۲۰۰۰: ۲). به همین دلیل کروگمن معتقد است که مفهوم رقابت‌پذیری منطقه‌ای پوچ است و تنها به معنی رقابت‌پذیری بنگاه‌ها درون مناطق است. روبرتو کاماگنی در پاسخ وی اذعان می‌دارد، هر چند که مکان‌ها به تنهایی با همدیگر رقابت نمی‌کنند، اما به طور قطع با مسائل مشابهی درگیر نیستند و در مواردی همچون افزایش بیکاری، کاهش درآمد سرانه، افزایش مهاجرت به خارج و مسائلی از این دست، با همدیگر برابری نمی‌کنند (کاماگنی، ۲۰۰۲: ۲۴۰۱-۲۳۹۹). پس رقابت‌پذیری برای کسانی که نظریه کروگمن را قبول دارند، تنها محدود به رقابت بین بنگاه‌ها، و برای کسانی که پیرو نظریه افراد دیگری نظیر کاماگنی و مایکل پورتر (۱۹۹۸) هستند، عرصه رقابت تا مناطق و شهرها نیز گسترش می‌یابد.

با تصویر ارائه شده از طریق مایکل پورتر، تلاش‌های بسیاری برای تعریف مفهوم استاندارد و توسعه یافته از رقابت‌پذیری منطقه‌ای در اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی صورت گرفته است. به تبع این، تعاریف مختلفی از رقابت‌پذیری منطقه‌ای توسط سازمان‌های مختلف تدوین گردیده که در این مقاله نیز تعدادی از این تعاریف به صورت زیر می‌آید. بر اساس اسناد منتشر شده توسط سازمان تعاون و توسعه اقتصادی در سال ۱۹۹۷، ششمین گزارش نشریه منطقه‌ای در ۱۹۹۹ میلادی و دومین گزارش همبستگی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۱ میلادی، تعریف استاندارد رقابت‌پذیری منطقه‌ای به صورت زیر ارائه گردید: "توانایی شرکت‌ها، صنایع، مناطق، کشورها و مناطق فراملی در ایجاد سطوح اشتغال و درآمد نسبتاً بالا را، در مواقعی که در رقابت بین‌المللی

ظاهر می‌شود، رقابت‌پذیری گویند<sup>۱</sup> (لنقیل، ۲۰۰۴: ۳۲۶). تعریف استاندارد رقابت‌پذیری نشان می‌دهد که باید کاملاً انعطاف‌پذیر باشد و بتواند برای تعداد زیادی از اهداف مختلف به کار برده شود. نکات زیر کمک می‌کند تا فهم و درک صحیحی از این تعریف شکل بگیرد:

۱- این تعریف رقابت‌پذیری را به عنوان مفهوم پیچیده و مرکبی که می‌تواند در همه واحدهای اقتصاد پایه (شرکت، بخش، منطقه، کشور و کلان منطقه) کاربرد داشته باشد، معرفی می‌کند؛

۲- این تعریف بر دو مؤلفه اقتصادی قابل اندازه‌گیری تأکید می‌کند: درآمد و اشتغال؛

۳- این تعریف مشارکت در رقابت جهانی و اقتصاد باز را فرض می‌کند، به عبارت دیگر فقط به تولیدات و خدمات قابل عرضه در رقابت جهانی اهمیت می‌دهد؛

۴- این تعریف سطح درآمد نسبتاً بالایی را فرض می‌کند اما هیچ توضیحی مبنی بر اینکه این درآمد چگونه بین صاحبان سرمایه و کارمندان توزیع می‌شود، ارائه نمی‌کند؛

۵- این تعریف نرخ بالایی از اشتغال را در ارتباط با اهداف سیاست اجتماعی فرض می‌کند اما ترکیب اشتغال را بازتاب نمی‌دهد (لنقیل، ۲۰۰۴: ۳۲۷).

دیگران از جمله مایکل پورتر<sup>۲</sup> (۱۹۹۶) و ایان بگ<sup>۳</sup> (۱۹۹۹)، رقابت‌پذیری را مفهومی مفید در سطح کشور یا منطقه می‌دانند. برای مثال، مفهوم رقابت‌پذیری می‌تواند در مشخص نمودن فرصت‌های اقتصادی مرتبط واحدهای منطقه‌ای به کار رود. سبیرت<sup>۴</sup> (۲۰۰۰) نیز عنوان می‌کند که رقابت‌پذیری حداقل در سه سطح وجود دارد: بنگاه‌ها، مناطق جغرافیایی و کارکنان. مناطق و کشورها با هم بر سر عوامل تولید متحرک در بازار رقابت می‌کنند در حالی که بنگاه‌ها برای سهام بازار با هم رقابت می‌کنند (هواری. جی. و دیگران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱: ۱). برای نویسندگانی چون مانتوس، مادر وگا و رودریگو<sup>۵</sup> (۲۰۰۰) و لویز<sup>۶</sup> (۲۰۰۱)، رقابت‌پذیری منطقه‌ای به عنوان ظرفیت تولید کالاها و خدماتی که ملزومات بازار بین‌المللی را برآورده می‌کنند، شرایط اقتصادی توسعه پایدار را تضمین می‌کنند و برای ساکنانشان اشتغال و کیفیت زندگی را فراهم می‌کنند، تعبیر می‌شود. یک منطقه رقابت‌پذیر است اگر در مواجهه با رقابت‌پذیری ملی و بین‌المللی، توانایی

۱ - Lengyel

۲ - Iaan Begg

۳ - Houvari et.al

تولید سرمایه را با کارایی و سودمندی مولد داشته باشد، کارکنان فنی و با مهارت، جمعیت جوان و سرمایه‌گذاری را جذب و حفظ کند، به محیط زیست و جنبه‌های تاریخی، فرهنگی و طبیعی احترام بگذارد (المدیا کوتو و دیگران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵: ۴). در واقع این تعاریف نشان می‌دهند که تعریف رقابت‌پذیری از آغاز تاکنون در حال تحول بوده و به سوی تکامل در حرکت بوده است. اما همه آنها، به ویژگی‌ها و شرایط مشترکی برای تعریف موقعیت رقابت‌پذیری منطقه‌ای اشاره دارند. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به "سطح اشتغال و درآمد بالا و تولید سرمایه، استانداردها و کیفیت بالای زندگی، توانایی رقابت در بازار و توجه به عوامل طبیع، تاریخی و فرهنگی" اشاره نمود. در نهایت می‌توان رقابت‌پذیری منطقه‌ای را به طور کلی به عنوان "توانایی مناطق در ایجاد سطوح قابل قبولی از اشتغال و درآمد، افزایش سهم بازار، سوددهی، رشد ارزش افزوده و ماندن در صحنه رقابت عادلانه و بین‌المللی برای یک دوره طولانی با در نظر گرفتن ویژگی‌های تاریخی، زیست محیطی و فرهنگی" تعریف نمود. به تازگی نیز "عوامل بیرونی نرم"<sup>۲</sup> در توسعه منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. این عوامل عبارتند از: سرمایه مولد، سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی - نهادی، سرمایه فرهنگی، سرمایه زیرساختی و سرمایه خلاق/دانشی.

در اقتصاد جهانی شده، منابع کلیدی رقابت‌پذیری منطقه‌ای به فرایندی متمرکز از آفرینش دانش بستگی دارد که در آن مردم و بنگاه‌ها در مورد فناوری جدید، اعتماد و یادگیری از هم و تقسیم و مبادله اطلاعات آموزش می‌بینند. با وجود مشکلات زیاد در این مباحث، یک نکته واضح است: تعریف و توضیح مزیت رقابتی منطقه‌ای به دستیابی به توجه زیاد به بهره‌وری و مورد توجه قرار دادن ابعاد مختلف سیاسی - اجتماعی شهری و منطقه‌ای نیاز دارد (کیتسون و دیگران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴: ۹۹۵-۹۹۴).

### ۳- رویکردهای نظری مطرح در حوزه رقابت‌پذیری منطقه‌ای

مفهوم رقابت‌پذیری منطقه‌ای با نظریه‌های بسیاری چه در سطح خرد و چه در سطح کلان مرتبط است و در واقع می‌توان سنگ بنای رقابت‌پذیری منطقه‌ای را بر چند رویکرد نظری مهم در این

۱ - Almedia Couto et al

۲ - Soft Externalities

۳ - Kitson et al

زمینه گذاشت. از جمله نظریه‌های مرتبط با بحث مزیت‌های رقابتی، می‌توان به نظریه‌های کلاسیک و نئوکلاسیک، مکتب اقتصادی کینز، تئوری رشد اقتصادی درونزا، تئوری تجارت جدید، تئوری رشد شهری، اقتصاد بنگاهی جدید، اقتصاد استراتژی کسب و کار<sup>۳</sup> و نظریه اقتصاد تکاملی شومپتر اشاره نمود. بر پایه این نظریه‌ها، می‌توان به سه رویکرد اساسی از رقابت‌پذیری منطقه‌ای دست یافت.

نظریه کلاسیک از اولین نظریات در این حوزه است که بر طبق آن، هر کشور در تولید کالاهایی که بر اساس برتری‌های تکنولوژیک، مزیت نسبی دارد؛ تخصصی می‌شود. نظریه مزیت مطلق آدام اسمیت و مزیت نسبی ریکاردو از اولین نظریات در باب تخصصی شدن و تجارت و مبادله بین مناطق به شمار می‌آیند. ریکاردو در ۱۸۱۷ بیان می‌کند که کشورها در کالاهایی که در آنها نسبت به سایر کشورها مزیت نسبی دارند، تخصصی می‌شوند و این مزیت نسبی ناشی از تفاوت در فناوری تولید بین صنایع و در میان کشورها و در واقع تفاوت در بهره‌وری نیروی کار نسبی است. از سوی دیگر، نظریه نئوکلاسیک (هکشر- اوهلین) که اصلاح شده نظریه کلاسیک است، مزیت نسبی مناطق را بر مبنای موهبت‌های طبیعی آنها تعریف می‌کند (صباغ کرمانی، ۱۳۸۰: ۱۱۲-۱۱۰). فرض نظریه مزیت نسبی ریکاردو و هکشر- اوهلین این بود که تجارت بر پایه تفاوت ظرفیت‌های خدادادی اتفاق می‌افتد و بازده‌های نزولی نسبت به مقیاس و تکنولوژی بین کشورها را برابر در نظر می‌گیرند (مارتین. ر.، ۲۰۰۴: ۱۱-۱۰).

بنابراین به طور کلی این دو نظریه، مزیت نسبی مناطق در تولید و صنایع مختلف را اساس و پایه روابط و مبادلات بین منطقه‌ای می‌دانند. دیدگاه نئوکلاسیک، عوامل مؤثر در رقابت‌پذیری منطقه‌ای را سرمایه‌گذاری، شرایط درونی، فناوری برونزا و سرمایه انسانی می‌داند (گاردینر. ب.، ۲۰۰۳: ۵). نظریه دیگر، نظریه رشد اقتصادی درونزا (تئوری رشد جدید) است که بر اساس آن انباشت دانش، بازده‌های فزاینده ایجاد می‌کند و بنابراین شرکت‌ها جهت دستیابی به امتیازات

۱ - New Trade Theory

۲ - New Institutional Economics

۳ - Business Strategy Economics

۴ - Martin. R

۵ - Gardiner. B



انحصاری، می توانند دانش را برای خود نگه دارند و دولت ها باید از تعامل بین دانش در حال انتشار و حقوق و دارایی های فکری حمایت کنند تا سرمایه ها در R&D حفظ شود، همچنین این تئوری برای سرمایه انسانی و نیروی کار ماهر محلی، اهمیت زیادی قائل می شود (مارتین، ر.، ۲۰۰۴: ۱۴).

در مکتب اقتصادی کینز، نحوه مصرف، شتاب دهنده های سرمایه گذاری و تقاضای صادرات، محرک های سیستم در تولید و مبادله میان مناطق هستند و بنابراین پایه صادرات ملی، یک عامل کلیدی در تئوری کینز به شمار می آید و بر برابری بین مناطق تأکید می شود که در این راه، جهت بهبود مناطق عقب مانده، ارتقای سرمایه گذاری عمومی و کمک هزینه های دولتی به این مناطق را مطرح می کند (مارتین، ر.، ۲۰۰۴: ۱۲-۱۱).

تئوری تجارت جدید، به توضیح چگونگی تجارت بین کشورهای صنعتی و سطح توسعه یافتگی مشابه می پردازد و به این جهت بر صرفه های ناشی از مقیاس، تفاوت در تولید و رقابت غیر کامل تأکید می کند. در این تئوری، بازده های فزاینده، محرکی برای تخصصی شدن و تجارت بین کشورها بر اساس مزیت نسبی مطرح می شود. آثار تجمع شهرنشینی، هزینه های حمل و نقل و صرفه های ناشی از مقیاس و تخصصی شدن بخشی از عوامل مؤثر بر رقابت پذیری مطرح در این تئوری هستند (مارتین، ر.، ۲۰۰۴: ۱۶-۱۵).

بر پایه آنچه گذشت، نظریه های کلاسیک و نئوکلاسیک، رشد اقتصادی درونزا و مکتب اقتصادی کینز، با بیان عواملی که سبب رشد صنایع و تولید در مناطق و کشورها می شوند و نیز آنچه که پایه های مبادله و تجارت بین مناطق را تقویت می کنند، به مفهوم "مناطق به عنوان مکان تخصصی کردن صادرات" منجر می شود که از مفاهیم اساسی در رقابت پذیری منطقه ای به شمار می آید.

از سوی دیگر نظریات رشد شهری، اقتصاد بنگاهی جدید، اقتصاد استراتژی کسب و کار و اقتصاد تکاملی شومپیتر مطرح می شوند. اساس بیشتر این تئوری ها و تأثیر آنها بر رقابت پذیری شدن مناطق، بر نظریه "ناحیه صنعتی" آلفرد مارشال استوار است، که برای اولین بار توسط وی در انگلستان ارائه شد. مارشال در سال ۱۸۹۰، سه نوع صرفه تجمعی "شکل گیری بازار نیروی کار محلی، تأمین آسان تر نهاده های یک صنعت با تنوع بیشتر و هزینه های پایین تر، و سرریز آسان دانش" را نام می برد و نظریه ناحیه صنعتی خود را بر پایه دو عامل همجواری صنایع تخصصی مرتبط به هم و خوشه بندی صنعتی شاخه های متعددی از یک صنعت بیان می کند (داداش پور،

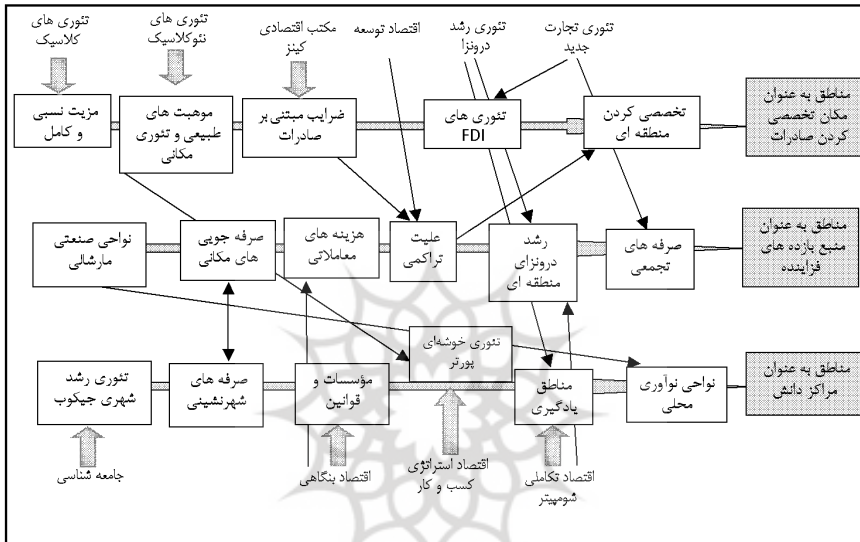
۱۳۸۸:۵۶). در نظریه رشد شهری که در سال ۱۹۶۹م. توسط جین جیکوب مطرح شد، سیستم‌های شهری بازده‌های فزاینده‌ای را نسبت به مبادله دانش بین بنگاه‌های اقتصادی مختلف و عوامل اقتصادی درون مناطق جغرافیایی ایجاد می‌کند که حضور در چنین تجمعات شهری، هزینه‌های تحقیق را کاهش و فرصت‌های خلق نوآوری را افزایش می‌دهد که به آن صرفه‌های شهرنشینی گفته می‌شود، همچنین تنوع و گوناگونی بیشتر در اقتصاد محلی سبب ایجاد نرخ رشد بالاتر می‌گردد. اقتصاد بنگاهی جدید نیز برای تعیین اندازه بنگاه‌های اقتصادی، از هزینه‌های معاملاتی (هزینه‌های مربوط به ارتباطات، هماهنگی و تصمیم‌سازی) استفاده می‌کند (مارتین، ر.، ۲۰۰۴:۱۷). نظریه استراتژی کسب و کار، بر سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی<sup>۱</sup> هم در بازارهای داخلی و هم در بازارهای خارجی و چند ملیتی بودن بنگاه‌ها تأکید دارد. شاید بهترین مفهوم مرتبط با این نظریه، تئوری خوشه‌ای مایکل پورتر باشد که معتقد است وجود خوشه‌های جغرافیایی، سبب رقابت‌پذیری و سودمندی فعالیت‌های بنگاه‌ها می‌شود (مارتین، ر.، ۲۰۰۴:۱۸).

درواقع از نظر پورتر، مزیت رقابتی ماندگار در یک اقتصاد جهانی، تا حد زیادی منطقه‌ای و محلی هستند و از تمرکز مهارت‌های تخصصی شده و دانش، نهادها، رقبا، تجارت‌های مرتبط و مشتریان پیچیده حاصل می‌شوند (داداش‌پور، ۱۳۸۸:۵۶؛ برگرفته از پورتر، ۱۹۹۸:۹۰). این رویکرد به مثابه یک نماد مناسب در طراحی سیاست‌های توسعه منطقه‌ای سازگار با رقابت‌پذیری در اقتصاد جهانی شده دیده می‌شود (داداش‌پور، ۱۳۸۸:۵۶). علاوه بر این، اقتصاد تکاملی شومپیتری نیز بر نقش کارآفرینی و نوآوری در بهبود رشد مناطق تأکید می‌کند و کارآفرین‌ها را برای ایجاد نوآوری‌های مالی و فنی در مواجهه با موقعیت‌های رقابت، محرک اصلی می‌داند و معتقد است که جهش ناگهانی فعالیت‌های ناشی از نوآوری‌ها، سبب ایجاد رشد اقتصادی می‌شود (مارتین، ر.، ۲۰۰۴:۱۸). بنابراین، اصل اساسی در نظریه شومپیتری، نوآوری است (راسخی و ذیحی لهرمی، ۱۳۸۷:۴۵). در این نظریه، بنگاه‌های اقتصادی، مشوقی برای درگیر کردن فعالیت‌های نوآورانه هستند که فناوری‌های جدید را به دانش عمومی تبدیل کرده و فرایندهای یادگیری منطقه‌ای را ایجاد می‌کنند (مارتین، ر.، ۲۰۰۴:۱۹).

این رویکردهای نظری مطرح شده، با عنوان کردن مفاهیمی چون صرفه‌های ناشی از تجمع،

خوشه های صنعتی، ظرفیت های یادگیری و محیط های نوآوری محلی، به مفهوم " مناطق به عنوان مراکز دانش" راه می برند. مفهوم دیگر رقابت پذیری منطقه ای، "مناطق به عنوان منبع بازده های فزاینده" است که از نظریه نواحی صنعتی مارشال و مفهوم صرفه های ناشی از تجمع، هزینه های معاملات، رشد درونزای منطقه ای به مفهوم صرفه های تجمعی ناشی می شود.

شکل ۳-۱: نظریه های تبیین کننده رقابت پذیری منطقه ای



منبع: (مارتین، ر.، ۲۰۰۴: ۲۰-۱۰)

همانطور که پیش از این نیز گفته شد، همه مباحث بالا به سه مؤلفه یا مفهوم اساسی در رقابت پذیری منطقه ای تبدیل شده اند و رقابت پذیری با این سه مفهوم تولد یافته است که اکنون این سه مفهوم توضیح داده می شود.

### □ مناطق بمثابة مکان تخصصی کردن صادرات

براساس این مفهوم، عواملی که سبب ایجاد عرضه و تقاضا برای صادرات در مناطق می شود به این صورت مطرح می شوند که مناطق با یکدیگر رقابت می کنند تا فعالیت اقتصادی را بر پایه "موهبت های طبیعی" نسبی که دارند جذب کنند و در فعالیت هایی که مزیت نسبی دارند، تخصصی می شوند (عرضه). عملکرد اقتصادی یک منطقه نیز به اندازه نسبی و موفقیت صنایع

صادرات محور آن بستگی دارد و تقاضای خارجی برای صادرات منطقه تابعی از قیمت صادرات، درآمد بازارهای خارجی و قیمت کالاهای جایگزین در بازار است. عواملی مانند کیفیت تولید و خدمات پس از فروش نیز بر تقاضا اثر خواهد گذاشت و ممکن است به عملکرد تقاضای صادرات اضافه شوند. رقابت پذیری بخش صادرات منطقه در بازارهای جهانی بر رشد بخش صادرات در میان آثار آن، نه تنها بر قیمت بلکه بر کیفیت محصولات تولید شده تأثیر می گذارد. هزینه های دستمزد، هزینه های سرمایه ای، هزینه های مواد خام، هزینه های محصول واسطه و موقعیت تکنولوژی، همه بر موقعیت رقابتی منطقه در بازارهای جهانی تأثیر گذارند (مارتین، ر.، ۲۰۰۴: ۲۱).

### □ مناطق بمتابه منبع بازده های فزاینده

مدل کالدورین، امکان رقابت پذیری تراکمی منطقه ای را فراهم می سازد. رشد محصول تابعی از تقاضا برای صادرات و تقاضا برای صادرات تابعی از نرخ افزایش تقاضای جهانی و قیمت تولید منطقه نسبت به قیمت های جهانی است. نرخ افزایش قیمت تولید برابر با نرخ رشد دستمزد منهای نرخ رشد بهره وری است که منجر به افزایش محصول می شود و افزایش محصول، بهره وری را افزایش می دهد. مارشال، شکل گیری تمرکزهای مکانی تخصصی کردن صنایع را به عنوان بخشی از توسعه سازمانی و ارگانیک اقتصاد صنعتی دیده است. وی موفقیت رقابتی صنایع کلیدی را در تمرکز جغرافیایی آنها می بیند و سپس تخصصی کردن صنایع را به عنوان کلیدی برای موفقیت اقتصاد محلی معرفی می کند و سه نوع صرفه ناشی از تمرکز "تقویت متراکم سرمایه انسانی متخصص، رشد حمایت تخصصی شده و فرصت های تقسیم نیروی کار" را نام می برد که مزیت رقابتی بنگاه ها را ارتقا می بخشد (مارتین، ر.، ۲۰۰۴: ۲۱).

### □ مناطق بمتابه مراکز دانش

مارشال نه تنها بر اهمیت سه صرفه ناشی از تمرکز کلیدی (کارگران تخصصی شده، بنگاه های حمایت کننده تخصصی شده و فرصت های تقسیم نیروی کار بین بنگاهی) تأکید می کند، بلکه بر تعاملات بین این سه نیز تأکید می کند. با تمرکز بر دانش و فنون کار در یک منطقه، یک "محیط نوآوری محلی" ایجاد می شود و فرایندهای یادگیری مشترک، دانش کارآفرین و نوآور ایجاد می شود که در ایجاد مزیت اقتصادی منطقه ای مهم است. نوآوری به

معنی "فرایند یادگیری متقابل که مستلزم تعامل میان فعالان اقتصادی و آموزشی و پژوهشی است." مایکل پورتر مدل اصلی مارشال را با عناصر کار طولانی مدت او بر استراتژی رقابتی بنگاه‌ها ترکیب می‌کند و تئوری خوشه‌ای و مدل الماس رقابتی خود را ارائه می‌دهد (مارتین، ر.، ۲۰۰۴: ۲۱).

#### ۴- مدل‌های تبیین‌کننده رقابت‌پذیری منطقه‌ای

برای عینیت بخشیدن به رقابت‌پذیری منطقه‌ای در دنیای واقعی، به تدوین مدل‌های مفهومی پرداخته می‌شود تا بتواند ابعاد مختلف و اساسی رقابت‌پذیری منطقه‌ای را توضیح دهد. از این رو، در این بخش از مقاله سعی شده است که به تبیین سه مدل مهم در رابطه با موضوع پرداخته شود تا ابعاد و قلمرو رقابت‌پذیری منطقه‌ای به طور کامل رمزگشایی شود.

#### ۴-۱- مدل الماس مزیت رقابتی<sup>۱</sup> پورتر

مایکل پورتر برای اولین بار در سال ۱۹۹۰م. در کتاب خود تحت عنوان "مزیت رقابتی کشورها" مدل الماس مزیت رقابتی خود را ارائه داد (توتونچیان و مهرنوش، ۱۳۸۸: ۴۳). پورتر از این مفهوم برای برجسته ساختن اهمیت تعامل بین صنایع مرتبط در تعیین موقعیت رقابتی کشورها و مناطق استفاده کرد. او معتقد است که کشورها نه در صنایع مجزا از هم بلکه در خوشه‌هایی از صنایع مرتبط از طریق روابط افقی و عمودی است که موفق می‌شوند. پورتر تصریح می‌کند که همجواری فضایی بین بنگاه‌های قرار گرفته در آنچه او اشاره می‌کند به عنوان خوشه‌های صنایع، نقش مهمی را در بهبود بهره‌وری و تشویق نوآوری مداوم بازی می‌کنند. پورتر، اهمیت کلی خوشه‌بندی را بمشابه یک پدیده مورد تأکید قرار می‌دهد و طرح می‌کند که چگونه کار خوشه‌های ویژه، رشد و رقابت‌پذیری را ارتقا می‌دهد (کامبرز، ا. و ماکینون،<sup>۲</sup> ۲۰۰۴: ۹۶۹-۹۵۹).

پورتر به طور اولیه، به شرایط خارجی که از رقابت‌پذیری در مقیاس ملی حمایت می‌کند، اهمیت می‌داد (پورتر، م.<sup>۳</sup>، ۱۹۹۰). اما در مطالعات بعدی خود، به اهمیت خوشه‌های صنعتی در پی‌ریزی رقابت‌پذیری منطقه‌ای متمرکز شده است. از همین رو، مایکل پورتر، یکی از برجسته‌ترین افرادی

۱- Competitive Diamond

۲- Cumbers, A. & Mackinnon

۳- Porter. M

است که در این زمینه کار کرده و به نقش برجسته مناطق بعنوان محرک رقابت پذیری پی برده است. وی معتقد است که شکل گیری خوشه‌های منطقه‌ای، استعداد رقابت‌پذیری را ارتقاء بخشیده و در بهبود مزیت‌های رقابتی و توسعه منطقه‌ای ضروری تلقی می‌شود (لنقیل، ۲۰۰۴: ۳۲۴).

برای پورتر، خوشه‌ها بمثابه تمرکز فضایی شرکت‌های بهم مرتبط، تأمین‌کنندگان تخصصی، فراهم‌کنندگان خدمات، بنگاه‌ها در صنایع مرتبط، و نهادهای مربوطه (نظیر دانشگاه‌ها، مؤسسات استاندارد و انجمن‌های تجاری) که در عین حال که با بنگاه‌های دیگر رقابت می‌کنند؛ با آنها همکاری نیز دارند، تعریف می‌کند (پورتر.م، ۱۹۹۸: ۱۹۷). او در صورت‌بندی اخیر خود، نتیجه می‌گیرد که رقابت‌کنندگان در بیشتر صنایع موفق به لحاظ بین‌المللی، اغلب در یک شهر یا منطقه خاص در درون یک کشور قرار می‌گیرند. پورتر مشاهده کرد که شهرها و مناطق می‌توانند تمرکز قابل توجهی از رقبا، مشتریان، و تأمین‌کنندگان را شامل شوند که نه تنها به کارایی و تخصصی شدن منجر می‌شود، بلکه به تمرکز اطلاعات و قابلیت رؤیت رقبا منجر می‌شود.

نمونه‌های پورتر از این تمرکزهای فضایی صنایع فولاد در اطراف دورتموند، اسن و دوسلدورف، صنایع ماشین ابزار در اشتوتگارد و صنایع آشپزخانه در سلینگن (ادبوی.ت. و کلارک، ۱۹۹۷: ۹۷-۸۳) است. پورتر معتقد است که خوشه‌بندی صنعتی، رقابت و همکاری را بطور همزمان تقویت می‌کند که بر بخش فناوری‌های جدید، ساماندهی تأمین‌کنندگان، و ایجاد منابع تخصصی، تأثیر مثبتی دارد. از این رو، رواج خوشه‌ها، نقش مکان را در مزیت رقابتی آشکار می‌کند. مدل هندسی پورتر، یک چهارچوب مفهومی را برای کاربرد خوشه‌ها در بهبود رقابت‌پذیری و ایجاد تفکر استراتژیک بر توسعه منطقه‌ای، فراهم می‌آورد (دیویس.ه. و الیس.پ.، ۲۰۰۰: ۱۲۱۳-۱۱۹۸).

وی با ارائه مدل هندسی خود، رقابت‌پذیری منطقه‌ای را حاصل تعامل و برهمکنش چهار عامل اصلی می‌داند:

#### ۱- شرایط عاملی: مجموعه‌ای از عوامل مؤثر در تولید کالا یا خدمات

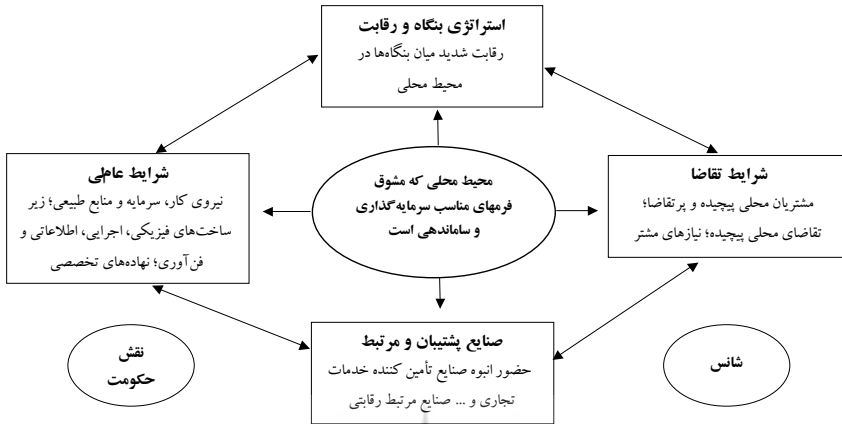
- عوامل عمومی شامل مواردی مانند مواد اولیه، انرژی، نیروی انسانی بدون مهارت خاص.
- عوامل تخصصی شامل مواردی مانند نیروی انسانی ماهر و متخصص، دانش فنی

۱- Adboye, T.& Clark

۲- Davies, H. & Ellis, P

پیشرفته و فناوری پیشرفته.

### تصویر ۴-۱: مدل الماس پورتر



منبع: (داداش‌پور، ۱۳۸۸، برگرفته از پورتر مایکل، ۱۹۹۰)

۲- **شرایط تقاضای داخلی:** وجود بازار داخلی بزرگ و در حال رشد موجب تشویق سرمایه‌گذاران برای توسعه فناوری و بهبود بهره‌وری گردیده و این مسئله به عنوان مزیت رقابتی برای آن ملت محسوب می‌گردد.

۳- **صنایع مرتبط و پشتیبان:** شامل تأمین‌کنندگان مواد اولیه، توزیع‌کنندگان، سیستم‌های توزیع محصول، مؤسسات تحقیقاتی، سرویس‌های مالی، سیستم‌های حمل و نقل، دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات تحقیقاتی که ارتباط و همکاری با این صنایع و مراکز در توسعه سطح محصولات و خدمات و بهبود آنها و در نهایت ارتقای رقابت‌پذیری مؤثر است.

۴- **استراتژی، ساختار و رقابت:** شرایطی که طبیعت و جوهره رقابت را در سطح کلان اجتماع تحت کنترل دارد و همچنین راه و روشی که بنگاه‌ها و سازمان‌ها؛ تأسیس، سازماندهی و مدیریت می‌شوند بر رقابت‌پذیری تأثیر به‌سزایی دارد. پورتر به منظور ایجاد مزیت‌های رقابتی، استراتژی‌های عمومی را پیشنهاد می‌کند و دو عامل بیرونی دولت و اتفاقات پیش‌بینی نشده را نیز در نظر می‌گیرد:

۵- **دولت:** دولت به عنوان یک نیروی عمده، همواره در رقابت‌پذیری مؤثر است و با مداخله

خود در امور مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و اعمال قوانین و مقررات؛ تأثیر مثبت و حتی منفی بر رقابت پذیری داشته است.

۶- **شانس**: حوادث و مسائلی هستند که به صورت تصادفی و خارج از کنترل بنگاه‌ها، صنایع و حتی دولت‌ها رخ می‌دهند (مرادی و شفایی، ۱۳۸۳: ۳).

#### ۴-۲- مدل هرمی رقابت پذیری منطقه‌ای

از عوامل مؤثر بر رقابت پذیری منطقه‌ای در این مدل خلق فرصت‌های اشتغال، کارایی و ارتقاء استانداردهای زندگی شامل نرخ اشتغال بالا و کم شدن نابرابری‌های درآمدی می‌شود. بطور کلی، عوامل مؤثر بر رقابت پذیری منطقه‌ای را می‌توان به دو دسته عناصر مستقیم و غیر مستقیم، تقسیم نمود. به سبب اهمیت خاص، عوامل با اثر مستقیم و کوتاه‌مدت بر محصول اقتصادی، قابلیت سوددهی، بهره‌وری نیروی کار و نرخ اشتغال تأثیر می‌گذارد، در حالیکه شاخص‌های فرهنگی، زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی- معروف به تعیین‌کننده‌های موفقیت-، اثر غیرمستقیم و بلند مدت بر رقابت پذیری دارند (لنقیل، ۲۰۰۴: ۳۳۴). لنقیل مدل هرمی را برای اندازه‌گیری رقابت پذیری مناطق تدوین نمود (نمودار ۴-۲).

مدل هرمی سه سطح از عواملی را که بر رقابت پذیری اثرگذار بوده و با هم در کنش متقابل هستند را در بر می‌گیرد. این مدل ساختاری منطقی را بر اساس رقابت پذیری منطقه‌ای نشان می‌دهد که برای توسعه بلند مدت عوامل اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی در چارچوب سازمان فضایی سکونت ضروری است (رکنیتزر و فیلیپ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹: ۵۵۹). در این مدل رقابت پذیری می‌توان سه سطح از برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای و مشخصه‌های مختلف تأثیرگذار بر آن را تمیز داد:

۱- **دسته‌های اصلی رقابت پذیری منطقه‌ای**: این دسته‌ها رقابت پذیری را اندازه می‌گیرند و شامل "درآمد، بهره‌وری نیروی کار، نرخ اشتغال و اقتصاد باز" می‌شوند (لنقیل، ۲۰۰۴: ۳۳۵).

۲- **عوامل برنامه‌ریزی توسعه رقابت پذیری منطقه‌ای**: این عوامل بر چهار دسته اساسی فوق، اثر فوری می‌گذارند و می‌توانند جهت بهبود رقابت پذیری منطقه‌ای با کمک سازمان‌ها در دوره‌های برنامه‌ریزی کوتاه مدت به کار روند. شامل:



▪ **توسعه فنی و پژوهشی (RTD):** معرفی سریع نوآوری و فناوری جدید، فواید رقابتی ایجاد می‌کند. رقابت‌پذیری منطقه‌ای بیشتر از همه توسط فعالیت‌های R&D موفق، نوآوری و توزیع سریع و گسترده آنها به طور مؤثر پیشرفت می‌کند و توسعه پژوهش، نوآوری، آموزش و پرورش جهت بهبود یافتن رقابت‌پذیری تعیین‌کننده هستند.

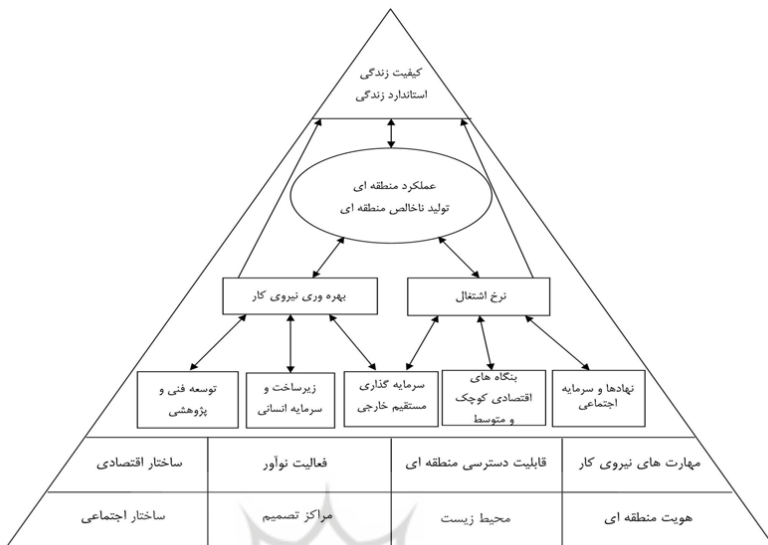
▪ **بنگاه‌های اقتصادی متوسط و کوچک (SME):** بنگاه‌های اقتصادی متوسط و کوچک قابل انعطاف هستند و می‌توانند سریعاً با تغییرات بازار وفق پیدا کنند. آنها بیشتر مسؤل ایجاد اشتغال منطقه هستند.

▪ **سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI):** سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، معمولاً بخش‌ها، بازار، فناوری‌ها و شغل‌های جدیدی ایجاد می‌کند، بهره‌وری نیروی کار را بهبود می‌بخشد و می‌تواند انتقال فناوری را به خوبی تشویق کند.

▪ **زیرساخت و سرمایه انسانی:** زیرساخت‌های فناوری، مؤسسات آموزشی و پژوهشی و عملکرد موفق آنها برای پیشرفت رقابت‌پذیری بسیار مهم است، همچنین رقابت‌پذیری خیلی به کاربرد کارآمد سیستم‌های آموزشی و پرورشی قابل دسترسی بستگی دارد.

▪ **مؤسسات و سرمایه اجتماعی:** شکوفایی و موفقیت اقتصادی، همکاری کارآمد بین مؤسسات موجود را در نظر می‌گیرد. شرکت‌های موفق به سطح خدمات اداری و مؤسسات عمومی بستگی دارند و به ویژه سرمایه اجتماعی مهم است: امانت، قابلیت اعتماد و آمادگی برای همکاری و... (لنقیل، ۲۰۰۴: ۳۳۷).

## ۴-۲- نمودار مدل هرمی رقابت پذیری منطقه‌ای



منبع: (لنیکل، ۲۰۰۴: ۳۳۷-۳۳۴)

### ۳- عوامل تعیین کننده موفقیت در رقابت پذیری منطقه‌ای: این تعیین کننده‌ها اثر

غیرمستقیم بر چهار دسته اساسی و عوامل توسعه دارند و در طی دوره‌ای طولانی از زمان شکل می‌گیرند و معناداریشان فراتر از سیاست‌گذاری‌های اقتصادی حاصل می‌شود. مطالعات انجام شده در مورد موفقیت منطقه‌ای به طور مشخص مبتنی بر تحلیلی از مقدار قابل توجهی از داده‌های آماری هستند. آنها این شکل‌ها را برای تعیین ارتباط بین شاخص‌های مشخص و عملکرد اقتصادی به کار می‌برند. تعیین کننده‌های رقابت‌پذیری عبارتند از:

- **ساختار اقتصادی:** نیروی کار مناطق موفق، به طور نمونه یا در خدمات اقتصادی و یا پردازش صنایع متمرکز می‌شوند. بهره‌وری و اشتغال، معمولاً در بخش‌های خدماتی بالاتر هستند و ارزش افزوده بالاتری تولید می‌کنند در حالی که بخش‌های پردازش صنایع با بهره‌وری بالا و فزاینده، کاهش اشتغال را به دنبال دارند.
- **فعالیت نوآور:** یک محیط به طور مناسب ابتکاری (زمینه نوآوری) می‌تواند توانایی منطقه را برای پاسخگویی به هرنوع چالش زیست‌محیطی، کاری، تکنولوژیکی و یا هر نوع

چالش دیگر، از طریق استراتژی تطبیقی درست تأمین کند. چنین استراتژی‌هایی می‌توانند کمک کنند تا چالش‌های نوآورانه تبدیل به منفعت و سود برای منطقه گردد.

▪ **قابلیت دسترسی منطقه‌ای:** قابلیت دسترسی، شبکه‌های حمل و نقل و موقعیت جغرافیایی، گستره فرصت‌ها را محدود می‌کند و بر هزینه و زمان سفر و به علاوه زمانی که طول می‌کشد تا تولیدات به بازار برسند، اثر می‌گذارد. زیرساخت حمل و نقل و ارتباطات می‌تواند به کاهش آثار محدودیت‌های جغرافیایی بر توسعه کمک کند.

▪ **تخصص نیروی کار:** در آموزش می‌توان به طور قابل انعطافی تغییر در تقاضای بازار نیروی کار را مدیریت کرد. این نوع تخصص، می‌تواند نسل‌های جوان‌تر را آماده کند و نیروی کار موجود را نیز با هدف فعالیت‌های خلاق و نوآور (احتیاجات جامعه اطلاعاتی) و خدمات اشتغال دوباره آموزش می‌دهد.

▪ **ساختار اجتماعی:** فعالیت‌های اقتصادی دانش‌محور و رشد خدمات اقتصادی، طبقات میانی را در مناطق موفق تقویت می‌کند. به عنوان مثال طبقه کارگر یقه آبی کوچک‌تر می‌شوند و فقط تعداد کمی از فعالیت‌ها، فرصت اشتغال برای نیروی کار غیر حرفه‌ای فراهم می‌کند.

▪ **مراکز تصمیم:** حضور و وجود رؤسای شرکت‌ها مهم است. ساختمان‌های مرکزی شرکت‌ها، تقاضا برای کارمندان با کیفیت بالا را در بازار نیروی انسانی ایجاد می‌کند، محرک و مشوقی برای آموزش بهتر محلی فراهم می‌کند، پایه دانش را تقویت می‌کند و محیط کار را ارتقا می‌بخشد.

▪ **محیط زیست:** طبقه متوسط در حال رشد، ماهر و به لحاظ فرهنگی خواستار منطقه موفق، محیط زیست پیشرفته‌تر (امنیت عمومی، کیفیت خدمات عمومی، معماری شهری جذاب، مسکن با استاندارد بالا، حمل و نقل عمومی محلی خوب و ...) و محیط طبیعی امن و سالم تری دارد. مردم نه تنها نیازهای خود را طلب می‌کنند بلکه برای داشتن نقشی فعال در حمایت از محیط زیست نیز آماده شده‌اند.

▪ **هویت منطقه‌ای:** مناطق موفق قادرند مشکلاتی را که توسط تغییرات ساختاری در اقتصاد، رشد سریع (منجر به مهاجرت‌های عظیم) و به علاوه ناهماهنگی و تفاوت در فضا و یا

میان سکونتگاه‌های مختلف (رشد شهری سریع با عقب ماندگی روستایی فراینده همراه می‌شود) ایجاد می‌شوند، اداره کنند (لنقیل، ۲۰۰۴: ۳۳۹-۳۳۸).

هنگامی که سه سطح مذکور از مشخصه‌های تعیین‌کننده رقابت‌پذیری منطقه‌ای که بر روی شکل قرار می‌گیرند، مدل هرمی رقابت‌پذیری منطقه‌ای را ایجاد می‌کنند: عناصر و اجزای موفقیت بلندمدت در پایین قرار دارند، لایه میانی شامل شاخص‌های برنامه‌ریزی توسعه است و دسته‌های اساسی برگرفته از تعریف استاندارد رقابت‌پذیری منطقه‌ای، در یک سطح بالاتر قرار می‌گیرند، در حالی که استاندارد زندگی و رفاه مردم منطقه (هدف غایی)، رأس هرم را تشکیل می‌دهد (لنقیل، ۲۰۰۴: ۳۳۵). تعیین‌کننده‌های موفقیت، به هم وابسته هستند. این مهم است که بدانیم دو سطح پایینی مدل بر روی هم ساخته شده‌اند، یعنی ساختار اقتصادی به قوانین اساسی اجتماعی منطقه بستگی دارد، فعالیت‌های ابتکاری با رؤسای مؤسسات و شرکت‌ها شکل خواهد گرفت، قابلیت دسترسی منطقه‌ای بهتر، تمایل به داشتن آثار منفی بر محیط زیست دارد و هویت منطقه‌ای اثری بر قابلیت و تشویق نیروی کار خواهد داشت (لنقیل، ۲۰۰۴: ۳۳۹).

در واقع مدل هرمی با به کار بردن دسته‌ها و سطوح مختلفی از شاخص‌ها، هم ابزاری جهت ارزیابی رقابت‌پذیری مناطق و در نتیجه مقایسه بین آنها فراهم می‌کند و هم استراتژی‌هایی برای برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای و ارتقای رقابت‌پذیری مناطق بوجود می‌آورد.

#### ۳-۴ مدل کلاه رقابت‌پذیری منطقه‌ای<sup>۱</sup>

عناصر کلیدی رقابت‌پذیری منطقه‌ای در مدل‌های مشترک برای تأکید بر عوامل قطعی آن و نیز نتایج به دست آمده در سطوح مختلف گرد آمده‌اند. بنابراین مدل کلاه رقابت‌پذیری منطقه‌ای که توسط کریستینا از کمبریج تهیه شده است (کریستینا و دیگران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷: ۲۷۱) (نمودار شماره ۴-۳)، در تلاش برای متمرکز کردن تعدادی از عناصر کلیدی در رقابت‌پذیری منطقه‌ای، دیدگاه‌های تجربی و نظری مختلف را در کنار هم می‌آورد (مارتین، ر.، ۲۰۰۴: ۴۱). این کلاه از چندین لایه ترکیب یافته است. این لایه‌ها شامل: محصولات منطقه‌ای<sup>۳</sup>، بازده‌های منطقه‌ای<sup>۴</sup>،

۱-The Regional Competitiveness Hat

۲- Cristina et.al

۳-Regional Outcomes

۴-Regional Outputs

عملکرد منطقه ای<sup>۱</sup> و تعیین کننده های رقابت پذیری منطقه ای<sup>۲</sup> می شوند.

۱- **بازده های منطقه ای:** یک شاخص عام رقابت پذیری منطقه ای، سرانه GDP است که شاخصی از رفاه متوسط جمعیت، هر چند غیر کامل را فراهم می کند. با تجزیه سرانه GDP به صورت زیر، می توان پی برد که رقابت پذیری به دو «شاخص بهره وری» (GDP به ازای هر فرد شاغل) و «نرخ اشتغال» (نسبت شاغلین به جمعیت در سن کار) بستگی دارد.

$$\frac{GDP}{جمعیت} = \frac{جمعیت در سن کار}{جمعیت} \times \frac{شاغلین}{جمعیت در سن کار} \times \frac{GDP}{شاغلین}$$

این نکته نیز حائز اهمیت است که در سطح منطقه ای، سرانه GDP نه تنها توسط فعالیت بنگاه، بلکه با حمل و نقل منطقه ای و ارزش افزوده ناخالص غیربازاری<sup>۳</sup> (دربرگیرنده فعالیت های بخش عمومی) تعیین می شود. این دو واژه لزوماً بخشی از چارچوب رقابت پذیری نیستند اما سرانه GDP را افزایش می دهند. حمل و نقل منطقه ای، احتمال درآمدهای مختلف را در بر می گیرد مانند درآمد مسافران، فروش دارایی ها به ساکنان خارجی و حمل و نقل عمومی و خصوصی. GVA غیربازاری نیز شامل فعالیت های بخش عمومی می شود.

۲- **محصولات منطقه ای:** در واژه رقابت پذیری منطقه ای، محصولات منطقه ای و ارزش افزوده ناخالص (GVA) بازار با هم آورده شده اند که خود ممکن است به دستمزدها و سود تقسیم شود. بدیهی است که دستمزدها و سود تنها در حالتی حاصل می شوند که بنگاه ها در فروش محصولات و خدماتشان به بازارهای داخلی و خارجی موفق باشند. بنابراین سنجه های مهم در ارزیابی محصولات منطقه ای، بهره وری، قابلیت سوددهی، هزینه های نیروی کار و سهم بازار منطقه ای در بازارهای داخلی و خارجی هستند.

۳- **عملکرد منطقه ای:** فعالیت بنگاه در یک منطقه به عنوان عملکرد و حداکثر ظرفیت منطقه مورد توجه است. عوامل درونی منطقه، جنبه هایی مانند مدیریت و نوآوری بنگاه را در برمی گیرد و در سطحی جامع تر، ساختار بخشی، سطح تخصص، توزیع بنگاه ها و ساختار مالکیت (FDI) را شامل می شود.

۱- Regional Throughputs

۲- Determinants of Regional Competitiveness

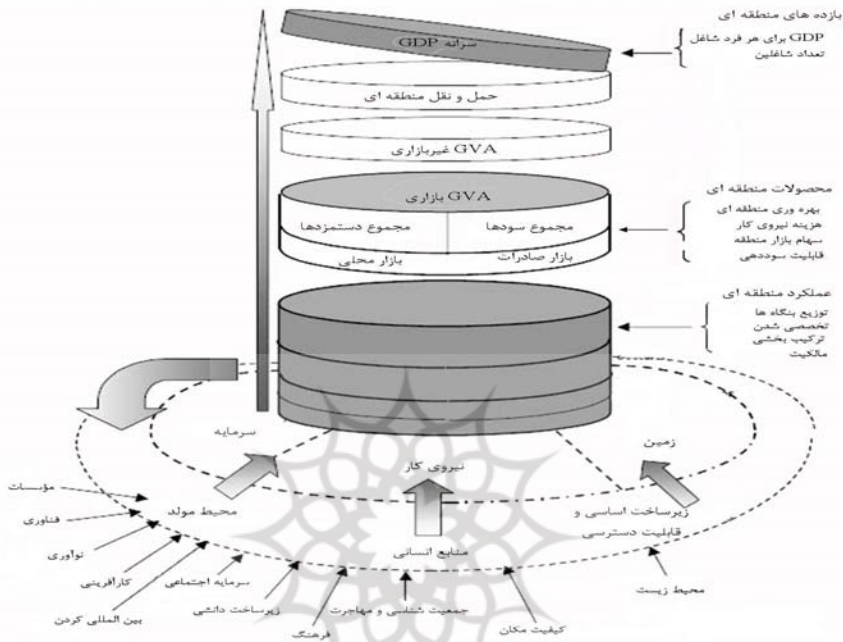
۳- Non-market Gross Value-added (GVA)

۴- **تعیین کننده‌های رقابت پذیری منطقه‌ای:** این دسته را می‌توان در پایه کلاه و در حلقه‌های مختلف اطراف استوانه عوامل تولید یافت. عوامل تولید شامل نیروی کار، سرمایه و زمین را می‌توان در حلقه اول یافت. در دومین حلقه، عوامل اساسی محیطی سرمایه‌گذاری منطقه‌ای را دربرمی‌گیرد. این دسته از تعیین کننده‌ها در سه دسته اصلی زیرساخت و قابلیت دسترسی، منابع انسانی و محیط تولید قرار می‌گیرند و سپس این تعیین کننده‌های محیطی سرمایه‌گذاری‌های منطقه‌ای توسط دسته‌ای از عوامل ثانویه یا «نرم»<sup>۱</sup> شامل مؤسسات، بین‌المللی شدن، کیفیت مکان، محیط زیست، فرهنگ، جمعیت‌شناسی و مهاجرت، سرمایه اجتماعی، زیرساخت دانشی و ... تحت تأثیر قرار می‌گیرند. اثر این تعیین کننده‌ها بر محصولات و بازده‌های منطقه‌ای، غیرمستقیم و اندازه‌گیری آن نیز دشوار است (مارتین.ر، ۲۰۰۴: ۴۳-۴۲).

مفهوم کلاه رقابت پذیری منطقه‌ای با به کار بردن چرخه‌های بازخورد، برخی از مفاهیم پویا را در بر می‌گیرد. چرخه بازخورد اصلی در تأثیری که بنگاه‌های متراکم بر قابلیت دسترسی، قیمت و کیفیت تعیین کننده‌ها دارند، واقع می‌شود. در طول زمان، گروهی از بنگاه‌ها قادرند که دسترسی به طیفی از تعیین کننده‌هایی را که برای عملکردشان سودمند هستند، افزایش دهند و بنابراین به رشد GDP در طول زمان کمک کنند (مارتین.ر، ۲۰۰۴: ۴۴).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### نمودار شماره ۴-۳- مدل کلاه رقابت پذیری منطقه‌ای



منبع: (کریستینا و دیگران، ۲۰۰۷: ۲۷۱)

### ۵- مؤلفه‌ها و شاخص‌های سنجش رقابت پذیری منطقه‌ای

در مورد مفهوم رقابت‌پذیری منطقه‌ای و شاخص‌هایی که بتوانند میزان رقابت‌پذیری منطقه‌ای را در مناطق مختلف تعیین و اندازه‌گیری کنند، در کشورهای مختلف مطالعات علمی مختلفی صورت گرفته است. این مطالعات رقابت‌پذیری را در دو سطح ملی و منطقه‌ای بررسی کرده‌اند. در اینجا به بررسی متون مرتبط با رقابت‌پذیری منطقه‌ای پرداخته می‌شود تا شاخص‌هایی که معرف میزان رقابت‌پذیری مناطق هستند به دست آیند. در دومین گزارش همبستگی اجتماعی و اقتصادی کمیسیون اروپا در ۲۰۰۱م، شاخص‌هایی چون "سطوح اشتغال و بهره‌وری آنها در اشتغال، تمرکز اشتغال در بخش‌های مختلف، تمایلات جمعیت‌شناختی مثل مهاجرت،

سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری در دارایی‌های اقتصاد دانشی مانند R&D، آموزش و ICT، زیرساخت‌های موجود، سطح و ماهیت آموزش مثل سهم افراد با مهارت IT و نوآوری و RTD" به عنوان شاخص‌های رقابت‌پذیری منطقه‌ای ذکر شده‌اند (مارتین.ر، ۲۰۰۴: ۲۹).

شاخص‌های رقابت‌پذیری منطقه‌ای نیز پنج مؤلفه اصلی "رقابت‌پذیری کلی به عنوان GDP در واحد نفر، درآمد مصرفی خانوار، بهره‌وری نیروی کار، سطوح حمایت درآمد و صادرات، بازار نیروی کار، آموزش و پرورش، سرمایه، زمین و زیرساخت‌ها" را نام می‌برد. مطالعه محیط سرمایه‌گذاری منطقه‌ای با بررسی ۴۰ منطقه در شمال غرب اروپا، متغیرها را به دو دسته اصلی تقسیم می‌کند:

۱- ارتباطات بازار: دسترسی به مشتری، قابلیت دسترسی پشتیبان‌ها، کارآفرینی و نوآوری، سطوح رقابت، سطوح همکاری و تعاون؛

۲- عوامل محیطی مفید: بازار نیروی کار، زمین، زیرساخت، زیرساخت دانشی، کیفیت زندگی، حکومت منطقه‌ای (مارتین.ر، ۲۰۰۴: ۳۲-۳۱).

و یا معیار میدلندز شرقی و غربی در ۱۹۹۷م. در مقایسه رقابت‌پذیری میدلندز شرقی و غربی با سایر مناطق اروپا، به شاخص‌های "تخصص‌های دانش‌بر که در شاخص‌هایی مانند آموزش و پرورش شغلی انعکاس می‌یابد، ظرفیت نوآوری در تمرکز پرسنل R&D، سطح سرمایه‌گذاری توسط بنگاه‌های اقتصادی در دارایی‌های ثابت و توسعه منابع انسانی، تمرکز اشتغال در فعالیت‌های با ارزش افزوده بال، خدمات تجاری و مالی قوی که به توسعه رقابت‌پذیری سایر بخش‌ها کمک می‌کنند و سطوح بالای سرمایه‌گذاری خارجی" دست می‌یابد. سرمایه‌گذاری مشترک تحلیل نسبی نیز رقابت‌پذیری نواحی دارای صنایع دارای تکنولوژی برتر در آمریکا را با شش معیار "نوآوری مانند ثبت اختراعات، R&D و بهره‌وری، روحیه کارآفرینی، دسترسی‌های بین‌المللی مانند صادرات فناوری، اتصال اینترنت و تنوع جمعیت، سرمایه‌های مالی و فکری مانند ایجاد سرمایه بازار، مراکز پژوهشی و ...، پیش‌بینی هزینه کسب و کار و کیفیت زندگی مانند مسکن، بزرگراه و سیستم‌های حمل و نقل و آموزش" می‌سنجد (مارتین.ر، ۲۰۰۴: ۳۱). همچنین مطالعات مدل مفهومی رقابت‌پذیری منطقه‌ای در فنلاند، برای تدوین شاخص‌های رقابت‌پذیری، چهار شاخص سرمایه انسانی، نوآوری، تجمع و قابلیت دسترسی را تعیین نموده که ۱۶ متغیر آنها را اندازه‌گیری می‌کنند. شاخص سرمایه انسانی که به وسیله "متغیرهای آموزشی



مانند تعداد ساکنین با تحصیلات عالی، تعداد دانش آموزان و خصوصیات نیروی کار شامل جمعیت در سن کار و نرخ مشارکت نیروی کار" تخمین زده می‌شود. برای تعیین شاخص نوآوری نیز از "تعداد اختراعات ثبت شده، میزان تحقیق و توسعه (R&D)، سهم مؤسسات و سهم ارزش افزوده تولید شده در بخش‌های با تکنولوژی بالا" استفاده می‌شود. همانطور که پیش از این نیز ذکر آن رفت، در جغرافیای اقتصادی جدید، صرفه‌های ناشی از تجمع و هم مکانی شدن، عوامل بسیار مهمی در رقابت‌پذیری منطقه‌ای ذکر شده‌اند. بنابراین "تراکم جمعیت، سهم کارکنان بخش‌هایی که صرفه‌های خارجی و گرایش به تمرکز آنها بالاست مانند کارخانجات، عمده‌فروشی و ...، وجود صنایع پشتیبان به عنوان یک عنصر حیاتی برای موفقیت" می‌تواند به عنوان سنجه‌های تجمع به کار روند. برای قابلیت دسترسی نیز سه متغیر در نظر گرفته شد که عبارتند از: "دسترسی جاده‌ای به بازارها، فاصله از فرودگاه‌ها و دسترسی هوایی و تعداد ارتباطات بین‌المللی بنگاه‌ها" (هوواری، جی، ۲۰۰۱: ۱۱-۱۰). در ارزیابی رقابت‌پذیری مناطق پرتقال، مدلی تحلیلی استفاده شده است که در آن از هفت عامل که هر کدام توسط شاخص‌هایی توضیح داده شده‌اند، برای توصیف رقابت‌پذیری بهره گرفته‌اند. "عامل جمعیت با شاخص جوانی، عامل بازار کار با شاخص‌های نرخ اشتغال و حقوق، عامل صلاحیت با شاخص‌های صلاحیت و بهره‌وری نیروی کار، عامل نوآوری با سرانه هزینه R&D، میزان کسب و کار و R&D، عامل پویایی کسب و کار با شاخص نرخ مشاغل جدید، عامل تخصصی شدن تولید با شاخص‌های تغییر در اشکال تولید و نسبت صادرات به GVA و در نهایت عامل زیرساخت تکنولوژیک با شاخص‌های دسترسی به رایانه و اتصال به اینترنت" سنجش می‌شوند (المدیا کوتو و دیگران، ۲۰۰۵: ۱۱).

هم اندیشی اقتصاد جهانی<sup>۱</sup>، ۳۸۰ عامل را برای رقابت‌پذیری منطقه‌ای در هشت طبقه اصلی تدوین نموده است. این هشت دسته عبارتند از:

- ۱- مردم: قابلیت دسترسی و کیفیت منابع انسانی؛
- ۲- قدرت اقتصادی داخلی: ارزیابی اقتصاد خرد از اقتصاد داخلی؛
- ۳- بین‌المللی شدن: میزان مشارکت کشور در تجارت بین‌المللی و جریان سرمایه‌گذاری؛

- ۴- حکومت: سیاست‌های مساعد دولت برای رقابت‌پذیری؛
- ۵- امور مالی: عملکرد بازار سرمایه و کیفیت خدمات مالی؛
- ۶- زیرساخت‌ها: کافی بودن منابع و سیستم‌ها برای پاسخگویی به نیازهای اساسی کسب و کار؛
- ۷- مدیریت: مدیریت نوآورانه، سودمند و پاسخگویی مؤسسات؛
- ۸- علم و فناوری: سرمایه علمی و فناوری همراه با موفقیت در تحقیقات بنیادی و کاربردی (ار.جی.ستیمسون و دیگران، ۲۰۰۶: ۲۹۹).

بطور کلی، مؤلفه‌ها و شاخص‌های اصلی رقابت‌پذیری منطقه‌ای می‌توانند در یک جدول جمع شوند (جدول شماره ۵-۱). در این جدول، شاخص‌های رقابت‌پذیری در چهار طبقه اصلی عوامل محیطی، شاخص‌های انسانی، شاخص‌های اقتصادی و زیرساخت‌ها دسته‌بندی شده‌اند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۵-۱: شاخص‌ها و مؤلفه‌های رقابت پذیری منطقه‌ای

عوامل محیطی	شاخص‌های انسانی	شاخص‌های اقتصادی	زیرساخت‌ها
<ul style="list-style-type: none"> <li>• نوآوری: ثبت اختراعات، تحقیق و توسعه، بهره‌دهی، سهم ارزش افزوده تولید شده در بخش‌های فناوری برتر</li> <li>• روحیه کارآفرینی</li> <li>• تخصصی شدن تولید: تغییر در اشکال تولید، نسبت صادرات به GVA</li> <li>• حکومت منطقه‌ای: سیاست‌های مساعد دولت برای رقابت‌پذیری</li> <li>• ظرفیت‌های نهادی و حکومتی</li> <li>• مدیریت نوآورانه</li> <li>• بین‌المللی شدن: میزان مشارکت کشور در تجارت</li> <li>• سرمایه‌گذاری در دارایی‌های اقتصادی دانشی مانند ICT، R&amp;D، آموزش و بر</li> <li>• تخصص‌های دانش بر</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• جمعیت، مهاجرت و</li> <li>• قضا</li> <li>• سرمایه انسانی: تعداد ساکنین با تحصیلات عالی، تعداد دانش آموزان، جمعیت در سن کار، نرخ مشارکت نیروی کار</li> <li>• سطح و ماهیت آموزش مثل سهم افراد با مهارت II</li> <li>• کیفیت و قابلیت دسترسی به منابع انسانی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• بازار نیروی کار: نرخ اشتغال، حقوق و دستمزدها</li> <li>• سطح اشتغال و بهره‌دهی آنها در اشتغال</li> <li>• سرانه GDP و در آمد مصرفی خانوار</li> <li>• قدرت اقتصادی داخلی</li> <li>• امور مالی، عملکرد بازار سرمایه و کیفیت خدمات مالی</li> <li>• ارتباطات بازار: دسترسی به مشتری و پشتیبانی</li> <li>• سطح بالای سرمایه‌گذاری خارجی</li> <li>• سطح سرمایه‌گذاری توسط نگاه‌های اقتصادی در دارایی‌های ثابت و توسعه منابع انسانی</li> <li>• تمرکز اشتغال در فعالیت‌های با ارزش افزوده بالا</li> <li>• خدمات تجاری و مالی قوی به توسعه رقابت‌پذیری سایر بخش‌ها کمک می‌کند.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• زمین و زیرساخت‌ها</li> <li>• دسترسی‌های بین‌المللی: صادرات فناوری، اتصال به اینترنت و تنوع جمعیت</li> <li>• زیرساخت تکنولوژیک: دسترسی به رایانه و اتصال به اینترنت</li> <li>• زیرساخت دانشی</li> <li>• قابلیت دسترسی: دسترسی‌های ساده به بازارها، فاصله از ترمودگاه‌ها و دسترسی هوایی، تعداد ارتباطات بین‌المللی، نگاه‌ها</li> <li>• کیفیت زندگی: مسکن، بزرگراه و سیستم‌های حمل و نقل و آموزش</li> </ul>

منبع: (نگارندگان براساس مارتین، ر.، ۲۰۰۴: ۳۸، گاردینر، ب.، ۲۰۰۳: ۵، المديا کوتو دیگران، ۲۰۰۵: ۱۱، هوواری، جی، ۲۰۰۱: ۱۱-۱۰، ارجی، ستمسون و دیگران، ۲۰۰۶: ۲۹۰)

۶- نتیجه

مفهوم رایج رقابت‌پذیری از سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و شرکتی مورد توجه قرار گرفته است. از همین نگاه، رقابت‌پذیری تعاریف متعددی دارد که هر کدام بر بخش خاصی از این مفهوم تأکید داشته‌اند. نظریه پردازان معروفی چون پاول کروگمن، مایکل پورتر، رابرتو کماگنی، ایان بگ و ... بر روی مفهوم رقابت‌پذیری کار کرده‌اند. از این میان کروگمن معتقد است که رقابت‌پذیری را نمی‌توان در سطح منطقه‌ای مطرح نمود و رقابت‌پذیری منطقه را حاصلی از رقابت‌پذیری بنگاه‌های آن منطقه می‌داند، اما پورتر، بگ و کماگنی رقابت‌پذیری را به سطح شهرها و مناطق نیز کشانده‌اند و رقابت‌پذیری را در این سطح نیز مطرح نموده‌اند. با بررسی نظریات و تعاریف مرتبط با رقابت‌پذیری منطقه‌ای، می‌توان به این نکته پی برد که دیدگاه تئوریک واحدی که پیچیدگی تمام مفهوم رقابت‌پذیری منطقه‌ای را دربرگیرد وجود ندارد و به همین دلیل برای فهم و تبیین مفهوم رقابت‌پذیری منطقه‌ای باید از تئوری‌های متفاوتی بهره گرفت. این نظریات با مطرح نمودن مفاهیمی چون مزیت نسبی، موهبت‌های طبیعی درونی، صرفه‌های ناشی از تجمع، نواحی صنعتی، محیط نوآور و مناطق یادگیری، به مفاهیم کلیدی و اساسی در رقابت‌پذیری منطقه‌ای نظیر "مناطق به عنوان مکان تخصصی کردن صادرات"، "مناطق به عنوان مراکز دانش" و "مناطق به عنوان منبع بازده‌های فزاینده" دست یازیده‌اند. این مفاهیم همراه با شاخص‌هایی که از مطالعات و متون تجربی به دست آمده‌اند، ابزاری جهت تبیین و اندازه‌گیری رقابت‌پذیری مناطق به دست می‌دهند. مؤلفه‌های مؤثر بر رقابت‌پذیری منطقه‌ای را به طور کل می‌توان در دو دسته عوامل نرم و سخت طبقه‌بندی نمود. عوامل نرم رقابت‌پذیری شامل منابع انسانی و محیط تولید، کیفیت زندگی، سرمایه مولد، سرمایه اجتماعی- نهادی، سرمایه فرهنگی، سرمایه زیرساختی و سرمایه خلاق و دانشی، روحیه کارآفرینی و ... عنوان کرد و سایر شاخص‌ها و عوامل از جمله بهره‌وری، اشتغال، درآمد، زیرساخت و قابلیت دسترسی، سرمایه‌گذاری در دارایی‌های اقتصادی دانشی، سطح و ماهیت آموزش، نوآوری و RTD، روحیه کارآفرینی، دسترسی‌های بین‌المللی، صادرات و ... را از عوامل سخت به شمار آورد. بطور طبیعی، وجود و شکل‌گیری این عوامل در مناطق به تحریک توسعه آنها کمک کرده و مسیر آنها را برای آینده‌ای روشن هموار می‌سازد.

## منابع

- آقازاده، هاشم و استیری، مهرداد و اصائلو، بهاره(۱۳۸۶)، بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر رقابت پذیری بنگاه‌ها در ایران، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، سال ششم، شماره سوم، پاییز.
- تونوچیان، ایرج و مهرنوش، مینا(۱۳۸۸)، رقابت‌پذیری دانش محور در ایران، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، سال نهم، شماره اول.
- داداش‌پور، هاشم(۱۳۸۸)، خوشه‌های صنعتی، یادگیری، نوآوری و توسعه منطقه‌ای، *مجله علمی-ترویجی راهبرد یاس*، شماره ۱۸.
- داداش‌پور، هاشم(۱۳۸۸)، *جزوه درس اصول و مبانی برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، دانشگاه تربیت مدرس، زمستان.
- صباغ کرمانی، مجید(۱۳۸۰)، *اقتصاد منطقه‌ای (تئوری‌ها و مدل‌ها)*، تهران: انتشارات سمت.
- مرادی، مرتضی و شقایب، رسول(۱۳۸۳)، رقابت‌پذیری از دیدگاه «مدل الماس» پورتر، *ماهنامه تدبیر*، شماره ۱۶۴، تیرماه.
- راسخی، سعید و ذبیحی لهرمی، المیرا(۱۳۸۷)، مزیت رقابتی در سطح بنگاه: مفهوم و تئوری، *پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی (علوم اقتصادی)*، سال هشتم، شماره بیست و هشتم.
- Adboye, T., and Clark, N. (1997). "Methodological Issues in Science and Technology Policy Research: Technological Capability." *Science Technology Society*, 2(1), 73-98.
- Anabela Dinis , Territorial Marketing(2004): A Useful Tool for Competitiveness of Rural and Peripheral Areas , *44th European Congress of ERSA* , University of Porto,pp. 25-29 , August.
- Ben Gardiner , Cambridge Econometrics(2003), *Regional Competitiveness Indicators for Europe: Audit, Database Construction and Analysis*, Regional Studies Association International Conference.
- Cagacan Deger, Nese Kumral and Burcu Turkan(2000), *Competitiveness, Productivity and Growth in European Union and Turkey*.
- Camagni,R.(2002),On the Concept of Territorial Competitiveness: Sound of Misleading?, *Journal of Urban Studies*, Vol. 39, 2395-2411,
- Castells, M. and Hall, P. (1994), *Technopolis of the World: The making of the 21<sup>st</sup> Century*, Routledge: London.
- Cumbers, A. and Mackinnon, D.(2004), Introduction: Clusters in Urban and Regional Development, *Urban Studies*, Vol.41, Nos. 5/6, pp.959-969
- Davies, H., and Ellis, P.(2000), Porters Competitive advantage of Nations: time for the final judgment? *Journal of Management Studies*, 37, 8, PP. 1189-1213.
- Dimian Gina Cristina , Dimian Mihai and Profiroiu Alina , *The Human Resource Role in The European Competitiveness Models* , pp. 269-274
- Gillian Bristow(2005), Everyone's a 'winner': problematising the discourse of regional competitiveness, *Journal of Economic Geography* 5, 2005.
- Huovari,J. Kangasharju, A., Alanen, A. (2000), Regional Competitiveness in Finland, *ERSA 40th European Congress*, 29th August - 1st September.
- Lengyel, I.(2004), The Pyramid Model: Enhancing Regional Competitiveness In Hungary, *Acta Oeconomica*, Vol. 54 (3).
- Krugman,P.(1994), Competitiveness: A dangerous obsession, *Journal of Foreign Affairs*,vol.37,p.34.

- Janne Huovari, Aki Kangasharju and Aku Alanen(2001), Constructing an Index for Regional Competitiveness, *Pellervo Economic Research Institute Working Papers*, No: 44 (June).
- János Rechnitzer and Bálint Filep(2009), *An Analysis of the Hungarian Major Cities and Their Territories and Their Opportunities of Development*, REAL CORP 2009 Tagungsband, pp. 597-601. <http://www.corp.at>
- João Pedro Almrda Couto, José Cabral Vieira, Maria Teresa Borges Tiago and Maria Manuela Natário(2005), *Competitiveness of Portuguese Regions : A Comparative Analysis* , Instituto Politécnico da Guarda- Escola Superior de Tecnologia e Gestão.
- Michael Kitson, Ron Martin and Peter Tyler(2004), Regional Competitiveness: An Elusive yet Key Concept?, *Regional Studies*, Vol. 38.9, December.
- Porter, Michael.(1998), Clusters and the New Economics of Competition, *Harvard Business Review*, 73 (3), pp.55-71.
- Porter, Michael(1990), *Competitive Advantage of Nations*, Free Press: New York.
- RJ Stimson, R Stough, BH Roberts(2006), *Regional Economic Development: Analysis and Planning Strategy*. Springer, 2006 , pp. 279-318
- Roberts, B. and Stimson, R. J.(2002), Multi-Sectoral Qualitative Analysis: A Tool for Assessing the Competitiveness of Regions and Formulating Strategies for Economic Development, *The Annals of Regional Science*, 32: 469-494
- Roberto Camagni(2002), On the Concept of Territorial Competitiveness: Sound or Misleading? , *Urban Studies*, Vol. 39, No. 13, pp. 2395–2411.
- Ronald L. Martin(2004), *A Study on the Factors of Regional Competitiveness: A draft final report for The European Commission Directorate-General Regional Policy*, University of Cambridge.

